



دانشگاه سیستان و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

مقایسه و بررسی شیوه های به کارگیری ضرب المثل در
قرآن و ادب در عصر جاهلی و اسلامی

استاد راهنما:

دکتر محمد شیخ

استاد مشاور:

آقای محمد تقی زندوکیلی

تحقیق و نگارش:

عزیز رئیسی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

دی ماه ۱۳۹۰

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان مقایسه و بررسی شیوه های به کارگیری ضرب المثل در قرآن و ادب در عصر جاهلی و اسلامی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی توسط دانشجو عزیز رئیسی با راهنمایی استاد پایان نامه آقای دکتر محمد شیخ تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

عزیز رئیسی

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما:

استاد راهنما:

استاد مشاور:

داور ۱:

داور ۲:

نماینده تحصیلات تکمیلی:



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب عزیز رئیسی تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: عزیز رئیسی

امضاء

تقدیرم به

فدایی که آفرید جهان را، انسان را، عقل را، علم را، معرفت را، عشق را...

و به کسانی که عشقشان را در وجودم دیدم.

تقدیرم با بوسه بر دستان پدرم

به او که نمی دانم از بزرگی اش بگویم یا از مردانگی، سفاوت، سکوت، مهربانی و.....

به روح پاک پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم، ای

پدر از تو هر چه می گویم باز هم کم می آورم ... آفتاب شدی و از روشنایی ات جان گرفتم و در

ناامیدی ها نازم را کشیدی و لبریزم کردی از شوق ...

اکنون حاصل دستان فسته ات رمز موفقیتم شد

به فودم تبریک می گویم که تو را دارم و دنیا با همه بزرگیش مثل تو را ندارد.....

پدرم راه تمام زندگیست

پدرم دلفوشی همیشگیست

تقدیرم به مادر عزیزتر از جانم:

مادرم هستی من ز هستی توست تا هستم و هستی دارم دوست ... به دریای بی کران فداکاری

و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر، ای که رنگ شادی هایم شدی و

لفظه ها را با تمام وجود از من دور کردی و عمری فستگی ها را به جان فریدی تا اکنون توانستی

طعم فوش پیروزی را به من پیشانی

غمگسار جاودانی مادر است

پشیم سار مهربانی مادر است

تقدیرم به همسرم به صمیمیت باران، به اسطوره زندگی، پناه فستگیم و امید بودنم:

او که سایه‌ی مهربانیش سایه سار زندگی، و وجودش شادی بفش و صفایش مایه آرامش من است

، او که اسوه صبر و تحمل بوده و مشکلات مسیر را برایم آسان نمود . و همواره در طول تفصیل

متحمل زحماتم بود و تکیه گاه من در مواجهه با مشکلات، و وجودش مایه دلگرمی من شد او که مسیح

وار با صبرش در تمامی لفظات رفیق راه بوده و در سایه همیاری و همدلی او به این منظور نائل

شدم...

ای شوق زیبای نفس کشیدن

ای روح مهربان هستی من

لفظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، بسارت فواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه

های یکتا و زیبای زندگی، مدیون حضور سبز آتھاست .

صدرا فرشته بوسه بر آن دست می زند

کز کسار فلق یک گره بسته وا کند

شکر و سپاس خدا را که بزرگترین امید و یاور در لفظه لفظه زندگیست ، او که آثار قدرتش بر پهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، در فشان. آفریدگاری که فویشن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف فویشن را در طریق علم و معرفت یاری کند او که به من این فرصت را داد تا به این مرحله از علم رسیده و از هیچ مثبتی دریغ نکرد و در تمام مراحل زندگی مرا قوت قلب بود، سپاس فدای را که هر چه دارم از اوست به امید آنکه توفیق یابم جز قدمت به فلق او نکوشم.

فالهانه ترین سفن و ناب ترین سپاس را از ژرفای جسم و جان از استاد فرزانه و عزیزم آقای دکتر محمد شیخ دارم، که با بینش وسیع و دانش ژرف خود الفبای تحقیق را برایم معنا کرد و به من آموخت که چون از گلشن علم و ادب بهره گیریم و با رهنمودهای فردمندان اش مرا در تحقیق یاری نمودند ، ایشان علاوه بر این که استاد راهنمای من در این پروژه بودند استاد راهنمای زندگی من نیز بودند و همواره از راهنمایی ها ، نصایح و دلسوزی های ایشان در انتصاب مسیر بهتر زندگی بهره مند شده ام . از خداوند متعال برای ایشان سعادت ، سلامتی و سربلندی مسألت دارم . و هم چنین از استاد مشاورم آقای محمد تقی زندوکیلی و استاد گرانقدر و دلسوزم آقای دکتر رضا رضایی که همواره راهنما و راهگشایم بوده اند، کمال تشکر را دارم، آموزگاران که برایم زندگی؛ بودن و انسان بودن را معنا کردند حال این برگ سبزی است تفهوی درویش تقدیم آنان....

به بهانه ی این پژوهش بر خود لازم می دانم تا با صمیمانه ترین سفن از ژرفای دلم، تقدیر و سپاس گویم از تمام دوستانم، از عمومیانم، مولوی ، حاجی مزارزنی و حافظ جان و همه آنها که وجودم برایشان همه رنج و وجودشان برایم همه مهر بود .

چکیده:

مثل ها تعبیراتی رایج در میان هر قوم و ملت، و یکی از ارکان مهم زبان و فرهنگ و نموداری از ذوق و قریحه هستند که اغلب در لباس استعاره، کنایه و یا در قالب سخنی موزون و دلنشین منتشر شده‌اند.

در این میان مثل‌های قرآنی که در میان قوم عرب نازل شدند جایگاهی ویژه در مقایسه با مثل‌های عربی دارند. آنها به امثال اهتمام خاصی می‌ورزیدند و به همین دلیل به کشف و ضبط مثل‌های قرآنی و عربی پرداختند. در این راستا گروهی از پژوهشگران نوعی از مثل قرآنی را یافتند که مصداق و معادل آنها در مثل‌های عربی وجود داشت، این مثل‌های قرآنی که در معنا مثل بودند نه در لفظ، کامن (پنهان) نامیده شدند. این مثل‌ها که از نظر مفهوم شبیه به بعضی از مثل‌های رایج عربی هستند، معادل هم ذکر شده‌اند.

در این پژوهش ابتدا به شناخت و بررسی ویژگی‌های مثل و چگونگی پیدایش آن در زبان‌های مختلف به ویژه در زبان عربی پرداخته شد، سپس مثل‌های عربی و قرآنی مورد بحث قرار گرفته، و در نهایت مثل‌های کامن در قرآن بررسی و تحلیل شدند.

کلید واژه: زبان عربی، مثل، مثل کامن قرآنی، مثل عربی، ادب جاهلی، ادب اسلامی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	طرح تحقیق
۵	تعریف مسأله
۶	اهمیت موضوع
۸	ضرورت انجام تحقیق
۸	سؤالات اصلی تحقیق
۸	اهداف تحقیق
۹	روش تحقیق
۹	فرضیه های تحقیق
۱۰	پیشینه تحقیق و تاریخچه کتاب های امثال
۱۵	پژوهش های انجام شده در زمینه امثال قرآنی
۱۸	بخش اول: کلیات و مبانی نظری
۱۹	فصل اول: تاریخچه نثر عربی دوره جاهلی
۲۰	مقدمه
۲۱	انواع نثر در دوره جاهلی
۲۱	خطابه
۲۲	وصایا
۲۳	سجع کاهنان
۲۴	حکمت ها
۲۴	امثال
۲۶	صنعت در امثال جاهلی
۲۷	فصل دوم : نثر در عصر اسلامی
۲۸	نثر در عصر اسلامی
۳۰	خطابه
۳۰	توقیعات
۳۰	رسائل

۳۱	مثل ها و حکمت ها در عصر اسلامی.....
۳۱	امثال نبوی.....
۳۳	امثال علوی.....
۳۴	فصل سوم : دامنه مثل در تورات و انجیل.....
۳۵	مثل در زبان لاتینی
۳۶	پیشینه استفاده مثل در ادیان.....
۳۶	امثال در تورات
۳۷	امثال در انجیل.....
۳۸	نفوذ امثال انجیلی در زبان عرب.....
۳۸	نفوذ امثال قرآنی در زبان فارسی.....
۴۱	بخش دوم: تعاریف.....
۴۲	فصل اول دامنه مثل در لغت
۴۳	مثل در لغت
۴۷	معانی واژه‌ی "مَثَل" در قرآن.....
۴۹	فرق بین مَثَل و مِثْل
۵۰	معنای واژه "ضرب" در کتاب های لغت و تفسیر
۵۱	مورد و مضرب مثل.....
۵۳	فصل دوم: دامنه مثل در اصطلاح و کتاب های مرجع
۵۴	دامنه مثل در اصطلاح و کتاب های مرجع
۵۶	تعریف مثل نزد گرد آورندگان کتابهای امثال.....
۵۹	ویژگی های مثل
۵۹	ایجاز
۶۰	معنای دقیق
۶۱	حسن تشبیه
۶۲	کنایه و تعریض
۶۳	انتشار و شایع بودن
۶۳	ثبات
۶۵	انواع مثل عربی
۶۵	الف) مَثَل موجز.....
۶۶	ب) مَثَل قیاسی
۶۶	ج) مَثَل خرافی
۶۷	انواع مثل قرآنی
۶۸	مثل های قیاسی.....
۶۸	مثل های کامن و مرسل قرآن

- بخش سوم: بررسی و تحلیل مثل های کامن قرآنی و معادل عربی آنها ۶۹
- مقدمه ۷۰
- مثل یکم: {لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ} ۷۱
- مثل دوم: {وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا} ۷۵
- مثل سوم: {وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا} ۷۷
- مثل چهارم: {وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا} ۸۰
- مثل پنجم: {قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنِ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي} ۸۷
- مثل ششم: {وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآغَمَا كَثِيرًا وَسِعَةً ...} ۹۱
- مثل هفتم: {مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ} ۹۴
- مثل هشتم: {وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ} ۹۷
- مثل نهم: {بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ} ۱۰۰
- مثل دهم: {قَالُوا هَلْ أَنْتُمْ عَلَمٌ إِلَّا كَمَا أَمْتَكُمُ عَلَيَّ أَحِبِّهِ مِنْ قَبْلِ} ۱۰۴
- مثل دوازدهم: {وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا} ۱۱۲
- مثل سیزدهم: {وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجْرًا كَفَارًا} ۱۱۶
- مثل چهاردهم: {وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ} ۱۱۹
- مثل پانزدهم: {لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا} ۱۲۳
- مثل شانزدهم: {لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ} ۱۲۶
- مثل هفدهم: {تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوُهَا بَيْنَ النَّاسِ} ۱۲۹
- مثل هجدهم: {ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ} ۱۳۵
- مثل نوزدهم: {لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ} ۱۳۹
- مثل بیستم: {أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ} ۱۴۲
- جمع بندی و نتیجه گیری ۱۴۶
- منابع ۱۵۲

یکی از بزرگترین بخش‌ها و محورهای قرآن کریم مثل‌ها هستند که بررسی و پژوهش در این زمینه بدیع و بی نظیر خواهد بود. مثل‌ها دارای ارزش ادبی و فواید تربیتی فراوانی هستند و خداوند سبحان نیز، در کتاب آسمانی‌اش در موارد قابل توجهی از تمثیل و مثل، برای ارشاد و تربیت انسان استفاده کرده است. مثل‌ها، غالباً در قرآن حکیم برای القای نوعی تفکر در ذهن مخاطب و یا درک عمیق یک معنا به قصد توضیح و اقناع مخاطب، اقامه برهان، ترسیم خط بطلان، و تایید نوعی باور استوار بر باوری سست و بی پایه، همراه با دقت در بیان و بلاغت کلام، در اسلوبی موجز و دلنشین برای هدایت و رشد اخلاقی و اجتماعی بشر به کار رفته‌اند.

هم چنین مثل‌ها، تعابیر و اصطلاحاتی رایج، در میان هر قوم و ملت بوده، و یکی از ارکان مهم ادب، فرهنگ و تمدن اقوام به شمار می‌روند آنها از ذوق و قریحه، صفات روحی و اخلاقی، افکار و ایده‌های اجتماعی، عادات خاص و ویژه‌ی هر ملت در مقایسه با دیگر جوامع گرفته شده‌اند.

مثل‌ها طی هزاران سال در میان اقوام مختلف جهان منتشر شده و در هر منطقه، بر حسب اختصاصات قومی و فرهنگی، آداب و سنن، دین و مذهب و حتی وضع جغرافیایی یا سیاسی، مطابق با ویژگیهای خاص آن منطقه نقل شده‌اند.

گفتنی است مثل غالباً در لباس استعاره یا کنایه و یا در قالب کلامی موزون و دلنشین بیان شده است که اندیشه‌های عمیق و سودمند، یا انتقاد شدید و طنز آمیزی را از رفتار و گفتار آدمیان، نابسامانی‌های اخلاقی و وضع نابه‌هنجار جامعه بازگو می‌کند. مثل‌ها، در روزگاران دور، به همت انسان‌های با ذوق، شوخ طبع، نکته‌سنج و علاقه‌مند به تربیت و هدایت بشر به

منظور بهره‌گیری جامعه انسانی از تجربیات و آموخته‌های گذشتگان و انتقال آن به نسل‌های بعدی، بیان و گردآوری شده‌اند. مثل پردازان نغزگو در حقیقت، از رواج ریاکاری یا فساد اخلاقی در جامعه سخت متاثر شده، جهت بیان برخی از نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی و یا نجات‌گمراهان، ستم‌دیدگان در راستای بیداری و تنبیه هموعان، آنچه را که در دل داشتند در قالب عباراتی نغز، کوتاه و پر معنا به نام "مَثَل" بر زبان آورده و به نگارش درآوردند.

در میان این اقوام، عرب نیز قومی بود که ارزش آن گنجینه‌ی لغوی بلیغ را درک کرد و در پی آن، کتاب‌هایی چون "مجمع الامثال" از ابوالفضل میدانی و بخشی از کتاب "العقد الفرید" به نام "جوهره الامثال" از ابن عبدربه اندلسی به رشته‌ی تحریر درآوردند.

گفتنی است که مثل‌ها، شامل خلاصه‌ایی از حکمت‌ها، تجربه‌ها، احوال فکری، اجتماعی، ادبی، تاریخی و اخلاقی جامعه عرب بود که در عباراتی بلیغ و موجز با ساختاری متین بیان می‌شد و بین ادیبان، خطیبان، شاعران و عامه مردم عرب رواج داشته، و اغلب منشأ آن یک واقعه، اتفاق و یا حادثه‌ای بوده است.

هم‌چنین مثل‌ها یکی از شاخه‌های مهم وارزنده ادبیات، و سند معتبر ادب و فرهنگ هر قوم و ملت هستند. مثل‌های ملل مختلف، نشان‌دهنده افکار و روحیات آنان بوده و جامعه‌شناسان می‌توانند از آن‌ها در شناخت ویژگی‌های روحی افراد و شخصیت‌های آن جامعه بهره‌گیرند. در حقیقت «مثل» می‌تواند وسیله‌ای برای شناسایی رفتار اجتماعی، عقاید جاری در جوامع و شناخت آن بر اساس نشانه‌های فرهنگی و علایم خارجی به کار گرفته شود؛ «امثال و حکم» انسان را از گفتگوی بی‌سرانجام و مجادله خشک و مغرضانه یک طرفه دور نگه می‌دارد.

مثل‌ها جملات قصار و کوتاهی هستند که هر جا پای استدلال، در مذاکرات عمومی، بلرزد به یاری متکلم شتافته، مقصود و منظور گوینده را در یک جمله‌ی نغز و پرمعنا، کوتاه و مستدل، روشن و مدلل می‌سازد.

به عنوان نمونه، اگر گوینده بخواهد از احسان و انفاق مطلق سخن بگوید و ثابت کند که بذل و بخشش، مذهب و ملت نمی‌شناسد و محتاج، محتاج است و درمانده، نیازمند چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان، پس در این مورد، از جمله سردر مهمانسرای عارف گران قدر ایرانی، ابوالحسن خرقانی یاد می‌کند و می‌گوید: «نانش بده و از ایمانش می‌رس» و گوینده را از هرگونه اطاله‌ی کلام و بیان سخن اضافی رها می‌سازد.

گاهی اهمیت «مثل‌ها» در این است که مانند مصلحان اجتماعی عمل می‌کنند و به بیان محاسن یا معایب اجتماعی، هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه می‌پردازند.

برای شناختن فرهنگ اصیل و واقعی ملت‌ها، باید در «امثال و اصطلاحات عامیانه» مردم جستجو شود زیرا مجموعه‌ی این اصطلاحات و تعابیر، نماینده طرز تفکر، آداب و رسوم و خصوصیات اجتماعی آن قوم است. و در واقع، فرهنگ عوام و اهل بازار، آینه‌ی ایست که واقعیات زندگی آن قوم و غنای فرهنگی‌اش را به خوبی منعکس می‌کند.

از این رو تحقیق و تفحص در مثل‌ها و فرهنگ عامه ملل مختلف، این امر را روشن می‌سازد که اساس و پایه فرهنگ‌های جهانی و عناصر مهم تشکیل دهنده آن، اغلب مفاهیم و مضامین مشترکی نظیر: عدالت خواهی، راستی و درستی، محبت و دوستی، فراغ و وصال، خردمندی، شجاعت و مانند این‌ها هستند که به این قبیل از آثار، جنبه جهانی بخشیده، فرهنگ

یک ملت را با فرهنگ دیگر ملت ها، با طرح مشابهت های فرهنگی ملل مختلف کره ی خاکی،

هم چون حلقه های یک زنجیر به هم پیوند می دهد.

Thank you for trying PDF Suite

طرح تحقیق

تعریف مسئله

قرآن کریم در محیطی نازل شد که سخن سرایی و ادبیات بر آن سیطره داشت و هر شخص، یا قبیله ای که زبانی گویاتر و پویاتر داشت دیگران را به مبارزه می طلبید، پس اگر کسی را همانند خویش نمی یافت بر سایرین برتری می جست و برخورد می بالید، بنابراین چنان بازار سخن رونق گرفت که شخص خطیب و یا شاعر نزد مردم رهبر والگو شدند و آنها در سخنان خویش بیشتر از مثل ها و حکمت ها بهره می گرفتند تا تفکر مطلوب خویش را حاکم نمایند.

بنابراین پروردگار جهانیان برای هدایت و درستگاری انسان، قرآن کریم را در میان قوم عرب برای تمام جهانیان فرستاد به زبانی پویاتر و رساتر، که آنها از آوردن همانندی چون قرآن ناکام ماندند و اسلوب آن کتاب ماندگار بر ادبیات و سخنوران چیره گشته والگوی آنان شد، آن کتاب برای هدایت و تربیت انسان در موارد بسیاری از مثل و تمثیل استفاده کرد، مثل های قرآن معانی بلند را در دسترس همگان قرار داده و عالم ملکوت را برای انسان ترسیم می کرد، روایت های طولانی را به شکلی موجز در ذهن انسان ماندگار ساخته و داستان های اقوام گذشته را مایه عبرت و توجه مردم قرار داده، تلخی و خشکی پند و اندرز را کاسته و خاطر آدمی را صیقل می داد.

در این راستا دانشمندان مثل شناس نیز به استخراج مثل های عربی و قرآنی پرداختند و موارد قابل توجهی از مثل ها را یافتند که مضمونی واحد داشته و دارای یک پیام بودند اما شیوهی القای آنها متمایز بود، و در این تحقیق به این مسئله پرداخته خواهد شد.

اهمیت موضوع

مثل‌ها دارای هدف‌های تربیتی و اخلاق‌بسیاری بوده، و تمام جوامع بشری آنها را پاس داشته، و به عنوان میراثی ماندگار حفظ نموده‌اند، قرآن کریم کتاب هدایت بشر نیز مثل را ارج داده و بسیار از آن بهره گرفته است، سپس بزرگان دین نیز به اهمیت مثل‌های قرآنی اشاره کرده‌اند، که این اهمیت و ارزش در سخن پیامبر(ص) چنین آمده است:

قال رسول الله (ص): فان القرآن نزل على خمسة وجوه، حلال و حرام و محکم و متشابه و امثال؛ فاعملوا بالحلال و دعوا الحرام و اعملوا بالمحکم و دعوا المتشابه و اعتبروا بالامثال. (السيوطي، ۱۹۷۴، ج ۴: ۴۴)

یعنی: قرآن بر پنج وجه نازل شده: حلال حرام، محکم و متشابه و امثال؛ پس به حلال عمل کنید و حرام را رها سازید و به محکم چنگ بزنید و متشابه را دفع کنید و از امثال عبرت بگیرید.

بعد از پیامبر، ائمه (ع) به تدبیر و ژرف‌اندیشی در مثل‌های قرآنی اهمیت داده و در سخنان و دعاها و بیانات گویبارشان به آن اشاره نموده‌اند که نقل همه‌ی آنها در این مقال مختصر مقدور نیست، و به فقط سخن امیر مومنان علی (ع) اکتفا می‌کنیم، که می‌فرماید:

"كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ مَبِينًا حَلَالُهُ وَحَرَامُهُ وَفَرَائِضُهُ وَفَضَائِلُهُ وَنَاسِيخُهُ وَمَنْسُوخُهُ وَرُخْصَهُ وَعَزَائِمُهُ وَخَاصَّهُ وَعَامَّهُ وَعَبْرَهُ وَأَمْثَالَهُ..."

کتاب پروردگارتان در میان شماست، بیانگر حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و

منسوخ، جایز و واجب، خاص و عام، عبرت‌ها و مثال‌های آن است. (نهج البلاغه: خطبه، ۱)

دیگر دانشمندان مسلمان نیز از دیرباز به تدوین و توضیح مثل‌ها، به عنوان یک شاخه ادبی، عنایت داشته و به مثل‌های قرآنی به شکل ویژه‌ای پرداخته‌اند، و آثار و کتاب‌های فراوانی در این زمینه نگاشته‌اند.

ابن خلاد رامهرمزی (متوفای، ۳۶۰ هـ) در مقدمه کتاب "امثال الحدیث"، راجع به اهمیت مثل‌ها در قرآن می‌نویسد: مثل‌هایی که خداوند در قرآن به آنها وعده داده، امیدوار کرده یا ترسانده و به وسیله‌ی آنها حلال یا حرام کرده، افزون بر نکات ارشادی، استنباط حلال و حرام و احکام فقهی را نیز یاد آور شده است (الفیاض، ۱۹۹۳: ۲۶۶)

ابوالحسن ماوردی (متوفای، ۴۵۰ هـ) صاحب تفسیر "النکت و البیان" در کتاب "الامثال و الحکم" می‌نویسد: با وجود این که از بزرگ‌ترین علوم قرآن، علم «امثال» است، مردم تنها مثل‌ها را می‌بینند و می‌شنوند، اما از حکمت و فلسفه مثل‌ها که در قرآن به آنها اشاره، و پرداخته شده است غافل مانده‌اند. (به نقل از: السیوطی، ۱۹۷۴ ج ۴: ۴۴)

بدرالدین زرکشی (متوفای، ۷۹۴ هـ)، از قرآن پژوهان گذشته درباره‌ی اهمیت و جایگاه مثل‌های قرآن کریم می‌نویسد: از امثال قرآن در مواردی چون وعظ و اندرز، منع و بازداشتن، تذکیر، تشویق، توصیف نکات غیبی و عقلی به زبان حسی استفاده می‌شود. (الزرکشی، ۱۹۵۷، ج ۱: ۴۸۶)

زمخشری یکی از مفسران قرآن در تفسیر کشاف راجع به مثل‌های قرآنی می‌نویسد:

نزد عرب ضرب المثل و تکلم دانشمندان با مثل و مانند‌ان، منزلتی رفیع دارد که از معانی مخفی پرده برداشته، نکات تاریک را روشن می‌سازد تا آن جا که امر مُخِیِّل، چون امر مُحَقِّق به نظر می‌رسد، و شیء مُتَوَهَّم در جایگاه یقین قرار می‌گیرد، و غائب مانند حاضر جلوه می‌

کند. به همین جهت خداوند سبحان در قرآن و دیگر کتاب های آسمانی مثل های بسیاری ذکر

کرده است. (الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۷۳)

ضرورت انجام تحقیق

در این زمینه پژوهش های زیادی به صورت جداگانه انجام گرفته اما به بررسی و مقایسه ضرب المثل های قرآنی و معادل عربی آنها پرداخته نشده است، بنابراین یک پژوهشگر زبان عربی نیاز دارد از ویژگی های مثل های قرآنی و عربی آگاهی یابد. هم چنین یک محقق مسلمان باید تاثیر قرآن بر ادبیات را مورد ارزیابی قرار دهد.

سوالات اصلی تحقیق

در زبان عربی مثل به چه معناست ؟

آیا در قرآن مثل به کار رفته است؟

مثل کامن در قرآن چیست ؟

اهداف تحقیق

۱- شناخت مثل در قرآن و زبان عربی.

۲- تفسیر و توضیح مثل های کامن قرآنی و معادل عربی آنها.

روش تحقیق

در پایان نامه ی حاضر برای جمع آوری اطلاعات از روش فیش برداری و مطالعه ی منابع

کتابخانه ای استفاده شده است.

به این منظور منابع موجود مربوط به موضوع بحث شناسایی و به روش فیش برداری،

اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده، سپس با توجه به مبانی نظری بحث به توصیف و تجزیه و

تحلیل داده ها پرداخته شده است.

۱- شناسایی منابع موجود و فیش برداری مطالب مربوط به موضوع

۲- مطالعه و بررسی دقیق مثل های قرآنی و معادل عربی آنها

۳- توصیف و تحلیل اطلاعات به دست آمده و مقایسه بین مثل های قرآنی و معادل عربی آنها.

۴- نتیجه گیری با دقت نظر بدون قضاوت و داوری مغرضانه و شخصی

۵- ویرایش و تایپ تحقیق

فرضیه های تحقیق

۱- به نظر می رسد مثل در زبان عربی دامنه ی وسیعی داشته باشد.

۲- به نظر می رسد مثل در قرآن به شکل های مختلف به کار رفته باشد.

۳- به نظر می رسد بخش عظیمی از مثل های قرآنی غیر ظاهر و یا کامن باشند.

پیشینه تحقیق و تاریخچه کتاب های امثال^۱

محیط جاهلی به رغم این که پیرامون آن سخن های بسیاری است که بین شک و یقین گفته شده، پر از اسرار و رموز است.

به سبب ارزشی که مثل نزد قوم عرب داشت، دانشمندان و محققان آن زبان را در گذشته و حال به تحقیق و تالیف در این زمینه وا داشته است، هم چنین آنها به تدوین و جمع آوری، ترتیب و شرح غریب آن، و تحقیق و تدبر در معانی مثل و برخی نیز به بررسی مثل ها از جهت اهداف و اغراض آن، مناسبت بوجود آمدن ضرب المثل و حالاتی که مثل در آن بکار گرفته می شود پرداختند اند.

اهتمام به تالیف کتاب های امثال به اوایل دوره ی بنی امیه بر می گردد، و "عُبید بن شَرِیة الجُرهمی (متوفای، ۴۰هـ)"^۲ اولین کسی است که در زمینه مثل کتاب تصنیف کرده است. (الضبی، ۱۹۸۳، ۳۳)

البته شکی نیست که اولین تلاش ها در حوزه امثال به دو علت از آن دوره ی شروع شده است، نخست به سبب حرص و علاقه حکام بنی امیه و تشویق آنان به امثال و حکم، و علت دوم این که غیر معقول است، روند تالیف در مثل ها به یک باره با مفضل الضبی در قرن دوم هجری به یک سطح عالی برسد بدون این که قبل از وی تلاش ها و مقدماتی فراهم نشده باشد. بنابراین

^۱ - این گزارش براساس کتاب های چاپ شده در زمینه امثال تا قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری) می باشد، علاوه براین، ثبت تاریخی دیگری در کتاب "امثال العرب" به تحقیق احسان عباس در مورد تاریخچه کتاب های امثال وجود دارد، ثبت تاریخی دیگری نیز به همین ترتیب در مقدمه کتاب "الامثال والحکم" از ماوردی به تحقیق فواد عبدالمنعم احمد نیز گزارش شده است.

^۲ - عبدالمجید قطامش "صحارین عیاش العبدی" را اولین کسی می داند که در زمینه امثال دست به تالیف برد.

از آغاز قرن دوم هجری اهتمام به مثل ها با یک رویکرد تالیفی آغاز شد و این روند با آغاز استقرار دولت عباسی همراه بود و در شهرهای عراق ، بغداد ، بصره و کوفه، در محفل علم و ادب چون چشمه جاری شد، و به شکل طبیعی در بین این محافل مثل ها بر سر زبان ها جاری بودند، و از این دایره ادب و حکمت اولین اثر از کتاب های امثال توسط مفضل

الضبی (متوفای ۱۷۰ هـ)، به نام "امثال العرب" به رشته ی تحریر درآمد. (قطامش، ۱۹۸۸: ۴۹)

او در کتابش به جمع آوری مثل های جاهلی پرداخته است ولی با اسلوب علمی بررسی و جمع آوری نکرده است. (الضبی، ۱۹۸۳: ۱)

بعد از مفضل ضبی، ابی فید سدوسی (۱۹۵ هـ)، کتاب "الامثال" را تالیف کرد، که بادقت و تمرکز بیشتری بر لغات مثل داشت بنابراین کتاب وی بیشتر جنبه لغت شناسی به خود گرفت.

(قطامش، ۱۹۸۸: ۵۶) پس از آن کتاب، ابو عبید قاسم بن سلام (۲۲۳ هـ)، کتاب "الامثال" را به رشته ی تحریر درآورد که دارای شمول و دقت بیشتری بود او مثل ها را بر حسب موضوع مرتب کرد. و ابو عبید بکری نیز بر آن شرحی نگاشت و آن را "فصل المقال فی شرح کتاب الامثال" نام نهاد. (البکری، ۱۹۷۱: ۷)

سیس، ابو عکرمه الضبی (۲۵۰ هـ)، "کتاب الامثال" را نگاشت، و آن نه بر حسب حروف مرتب بود و نه بر حسب موضوع ، بلکه ترتیب آن به دلخواه خودش بود. (زلهایم، ۱۳۸۱: ۳۷)

بعد از او مفضل بن سلمه (۲۹۱ هـ)، "الفاخر" را نگاشت، او از کتاب های مثل پیش از خودش استفاده زیادی کرد و می توان گفت کتابش خلاصه ای از کتاب های امثال قبل از او بود. (المفضل بن سلمه، ۱۳۸۰: ۱ ، زلهایم، ۱۳۸۱: ۳۸)